

اولویت‌بندی مولفه‌های حکمروایی شایسته شهری از دیدگاه فعالان بخش مدیریت شهری (مورد مطالعه؛ شهر بوکان)

محمد غلامی^۱

استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه پیام نور، ایران

عیسی شیبانی امین

استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه پیام نور، ایران

اسماعیل صفر علیزاده

مربی گروه جغرافیا، دانشگاه پیام نور، ایران

رباب حسین زاده

مربی گروه جغرافیا، دانشگاه پیام نور، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱/۲۳ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۵/۰۸

چکیده

حکمروایی شایسته شهری که مبتنی بر برنامه‌ریزی مشارکتی است، امروزه وجه غالب الگوهای نوین مدیریت شهری در جهان می‌باشد. هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی، ارزیابی و اولویت‌بندی مؤلفه‌های حکمروایی شایسته شهری، از دیدگاه فعالان بخش مدیریت شهری بوکان در استان آذربایجان غربی می‌باشد. روش تحقیق در مقاله حاضر، توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر بررسی‌های اسنادی و پیمایشی بوده است. داده‌های مورد نیاز پژوهش، از طریق پرسشنامه محقق ساخته جمع‌آوری و برای انجام تحلیل‌های مورد نیاز و اولویت‌بندی شاخص‌های مورد مطالعه از روش تحلیل سلسله مراتبی استفاده شده است. در این پژوهش با اقتباس از اصول حکمروایی شایسته ارائه شده توسط سازمان‌های جهانی نظیر برنامه توسعه سازمان ملل متحد، بانک جهانی و نظریه پردازان بین‌المللی، شاخص‌های مشارکت، پاسخگویی، شفافیت، قانونمداری، اثر بخشی - کارایی و مسئولیت‌پذیری انتخاب و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. در نهایت یک نوع اولویت‌بندی در شاخص‌ها و معیارهای موجود با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP) انجام شده است. نتایج به دست آمده از تحلیل، ارزیابی و اولویت‌بندی داده‌های به دست آمده نشان می‌دهد که شاخص پاسخگویی در رتبه ۱، مشارکت در رتبه ۲، اثر بخشی - کارایی در رتبه ۳، مسئولیت‌پذیری در رتبه ۴، قانونمداری در رتبه ۵ و شفافیت در رتبه ۶ قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: حکمروایی شایسته شهری، فعالان بخش مدیریت شهری، روش تحلیل سلسله مراتبی، شهر بوکان

مقدمه و بیان مسئله

در نگرش جدید به مدیریت شهری، ایجاد سازمان‌های محلی، افقی و فرابخشی به منظور دستیابی به جامعه مدنی و نیز تقسیم وظایف بین حکومت‌های مرکزی و محلی و صلاحیت‌دار کردن شهروندان از اصول اساسی محسوب می‌شوند که با نظام اداری مرکزی، عمومی و بخشی مغایرت دارد. بنابراین، به دلیل پیچیده شدن و وضعیت محیطی و رفتار عنا صر، بهره‌گیری از مفهوم حکمرانی شهری به صورت محض، دیگر به تنهایی راهگشای حل مسائل نبوده و در گامی دیگر حکمرانی شایسته شهری با تمرکز بر معیارهایی از جمله مشارکت، قانون‌مداری، انعطاف‌پذیری، کارآمدی و غیره مطرح می‌شود. در این میان مدیران شهری با طراحی سیستم شاخص حکمرانی مناسب، می‌توانند زمینه تحقق مفهوم حکمرانی شایسته شهری را فراهم آورده و آن را اجرا نمایند. بدین منظور با تمرکز بر مفهوم حکمرانی الکترونیک و فراهم آوردن زیرساخت‌های فضای مجازی با هدف تسهیل تعامل میان بازیگران و ذینفعان مدیریت شهری، می‌توان شاهد تجلی حکمرانی شایسته شهری بود. حکمرانی شایسته چیزی فراتر از کتاب قانون به منظور قانون مند کردن رفتار حکومت است. تلاشی جمعی است برای توسعه پایدار که آن را حکومت محلی، گروه‌های جامعه مدنی و بخش خصوصی، هماهنگ با یکدیگر انجام می‌دهند و افزون بر اینها، کارآفرینی است برای نیل به اهداف عمومی. دگر اینکه پاسخ خلاقانه‌ای است به نیازهای محلی با استفاده از منابع محلی و به عبارتی در واقع سازمان‌ها و نهادهایی را ایجاد می‌کند که تلاش‌هایی چند جانبه را با ادغام سازمان‌های محلی، شرکت‌های خصوصی و عاملان دولتی هماهنگ کنند (هال و فایفر، ۱۳۸۸: ۲۲۶). در مدیریت شهری نوین و در جهانی که به طور فزاینده‌ای به سمت شهری شدن گام بر می‌دارد، مشارکت مردمی جایگاهی رفیع دارد. مدیریت شهری خوب باید نظامی مناسب از حکومت شهری انتخابی را گسترش دهد (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۸۹).

سازمان‌های مهم بین‌المللی از جمله برنامه توسعه سازمان ملل متحد، بانک جهانی، برنامه اسکان ملل متحد و.. شاخص‌های متعددی را از جمله مشارکت، اثر بخشی - کارایی، حاکمیت قانون، شفافیت، برابری، پاسخگویی، بینش راهبردی، امنیت، وفاق‌گرایی و... برای حکمروایی شایسته شهری معرفی نموده‌اند. از حکمرانی خوب به عنوان یکی از چهارم‌شخصه «شهر پایدار» عنوان می‌شود. درک و استنباط سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی از «حکمرانی شایسته شهری» مطابق با تجربه عملکردی برنامه اسکان سازمان ملل متحد در دو دهه اخیر می‌باشد. بر این اساس موضوع اصلی حرکت در جهت حکمرانی شایسته شهری، رسیدن به «شهر برون‌گرا» خواهد بود. در شهر برون‌گرا هر فرد بدون توجه به ثروت، جنسیت، مذهب، نژاد و سن، شایسته مشارکت سازنده و مثبت در فرصت‌های موجود در شهر است. در سال‌های اخیر شاهد نمونه‌هایی از تجربه‌های عملی برای رسیدن به مدیریت مطلوب شهری در شهرهایی مانند دارالسلام، دبی، منچستر، شنیان و چاتانوگا بوده‌ایم (Taylor, 2000: 11). بر همین مبنا هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی، ارزیابی و اولویت‌بندی مؤلفه‌های حکمروایی شایسته شهری از دیدگاه فعالان بخش مدیریت شهری بوکان در استان آذربایجان غربی می‌باشد، تا مشخص شود که بر اساس نظر مدیران، کارشناسان و متخصصان مسائل شهری، ترتیب اهمیت و اولویت ۶ شاخص منتخب و تعیین شده حکمروایی شایسته شهری مورد مطالعه، به چه صورت می‌باشد.

پیشینه

- شمعی و همکاران (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای عملکرد شهرداری یاسوج را بر اساس حکمروایی خوب شهری مورد ارزیابی قرار داده‌اند. بر اساس نتایج حاصل از این پژوهش، مدیران و مسوولین حوزه برنامه ریزی شهر یاسوج بدون توجه به نظرات مردمی و تنها با توجه به اطلاعات درون سازمانی نسبت به برنامه ریزی در شهر اقدام کرده‌اند.

- پیشگاهی فرد و همکاران (۱۳۹۲)، در تحقیقی توزیع فضایی قدرت سیاسی در کلانشهر تهران با تاکید بر حکمروایی شهری را مورد آسیب شناسی قرار داده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد از یک سو، بیشتر نهادها و کنشگران دخیل در مدیریت کلانشهر تهران، دولتی هستند و دایره اختیارات آنها بسیار گسترده است و همچنین نهادهای مردم پایه حضور و دخالت محدود و مشروطی در اداره امور شهری دارند و اختیارات آنها در سطح اجرایی و اداری محدود است و بنابراین قدرت سیاسی به آنها داده نشده است.

- ابراهیم زاده و اسدیان (۱۳۹۲)، در پژوهشی میزان تحقق‌پذیری حکمروایی خوب شهری در شهر کاشمر را مورد بررسی قرار داده‌اند. بر اساس نتایج تحقیق از آنجا که حکمروایی خوب شهری، از طریق همکاری متقابل شوراهای اسلامی شهر، دولت و مردم قابل تحقق می‌باشد، در شهر کاشمر عملاً مسئله حکمروایی خوب شهری تحقق نیافته است.

- مشکینی و مؤذن (۱۳۹۴)، مؤلفه حکمروایی مطلوب شهری در پایداری شهر عجب شیر را مورد تحلیل قرار داده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که به لحاظ حکمروایی مطلوب شهری، شهر عجب شیر از وضعیت مناسبی برخوردار نمی‌باشد.

- حاجی‌علیزاده و همکاران (۱۳۹۵)، در تحقیقی همبستگی بین الگوی حکمروایی شایسته شهری و میزان مشارکت شهروندی در شهر شیراز را مورد بررسی قرار داده‌اند. بر اساس نتایج مطالعه، بین معیارهای حکمرانی با مشارکت شهروندان در مدیریت شهری، ارتباط معنی‌داری وجود دارد.

- حسینی (۱۳۹۵)، شاخص‌های حکمروایی خوب شهری را در بین جامعه شهروندان و کارشناسان شهر تربت حیدریه مورد مطالعه قرار داده است. نتیجه نهایی این پژوهش گویای آن است که پیاده‌سازی حکمروایی خوب شهری در تربت حیدریه، نیازمند وجود یک عزم سیاسی و اراده قوی در سطوح بالای حاکمیت و به خصوص اعتقاد آنها به چنین الگوی مدیریتی است.

- فیروزی و علیزاده (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای تحقق رویکرد حکمروایی شهری در مدیریت شهری اهواز را مورد مطالعه قرار داده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که شاخص شفافیت با مقدار ویژه ۱,۰۹ و میزان اختلاف از میانگین مبنای پایین ۱,۴۱- دارای شرایط نامناسب و متقابلاً از اولویت بیش‌تری برای بهبود وضعیت در فرآیند مدیریت شهری اهواز از دیدگاه شهروندان می‌باشد.

مفهوم حکمرانی

اصطلاحات حکمرانی و حکومت، دارای مفاهیم محض و تخصصی بوده که بعضاً فارغ از مفهوم، معمولاً جایگزین یکدیگر به کار می‌روند. اما قدمت حکمرانی به تاریخ تمدن بشری برمی‌گردد. واژه حکمرانی از لغت یونانی (Kybernan) و (Kybernetes) گرفته شده و معنی آن هدایت کردن و راهنمایی کردن و یا چیزها را در کنار هم نگاه‌داشتن است. در حالی که مفهوم حکومت دلالت بر واحد سیاسی برای انجام وظیفه سیاستگذاری داشته و برجسته‌تر از اجرای سیاست‌ها است. پس

می‌توان گفت واژه حکمرانی اشاره به پاسخگو بودن هم در حوزه سیاستگذاری و هم در حوزه اجرا دارد (اکبری، ۱۳۸۵: ۱۴۹). حکمرانی طی دهه ۱۹۹۰ میلادی، به یکی از واژه‌های محوری علوم اجتماعی، به ویژه در حوزه نظریه سیاسی، علوم سیاسی و جغرافیایی انسانی تبدیل شده است. بنابراین حکمرانی را می‌توان کنش، شیوه یا سیستم اداره دانست که در آن مرزهای بین سازمان‌ها و بخش عمومی و خصوصی در سایه یکدیگر محو می‌شوند. جوهره حکمرانی به وجود روابط متعامل بین و درون حکومت و نیروهای غیرحکومتی اشاره دارد (برک پور و اسدی: ۱۳۸۸: ۱۸۸). از طرفی حکمرانی به روابط بین دولت و جامعه مدنی، حکمرانان و حکمرانی شونده‌گان، حکومت و حکومت شونده‌گان مربوط (McCarme et al, 1995: 5) و به اعمال اقتدار اداری، اقتصادی، سیاسی در راستای مدیریت امور کشور در تمام سطوح پرداخته و ساز و کارها، فرآیندها و مؤسساتی را در برمی‌گیرد که از طریق آن‌ها شهروندان و گروه‌های جامعه منافع خود را به هم پیوند زده، حقوق خود را پیگیری، تعهدات خود را انجام و اختلافات خود را حل و فصل می‌نمایند (UNDP, 2000: 1). بنابراین، حکمرانی موضوعی است که بر نحوه تعامل دولت‌ها و سایر سازمان‌های اجتماعی با یکدیگر، نحوه ارتباط با شهروندان و نحوه اتخاذ تصمیمات در جهانی پیچیده تمرکز داشته و فرآیندی است که از آن طریق جوامع و سازمان‌ها تصمیمات خود را اتخاذ و بواسطه آن، مشخص می‌کنند که چه کسانی در این فرآیند درگیر و چگونه وظیفه خود را به انجام برسانند (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰: ۳۷). در واقع حکمرانی به افراد و سازمان‌هایی می‌پردازد که در فرآیند تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات، نقشی داشته (Hamedinger, 2004: 3)، ساز و کارها، فرآیندها و نهادهایی را در برمی‌گیرد که از طریق آنها، شهروندان و گروه‌ها علائق خود را ابراز نموده، اختلاف‌هایشان را حل و فصل می‌کنند و از حقوق و الزامات قانونی خود بهره‌مند می‌شوند (پاداش و همکاران، ۱۳۸۶: ۷۲). امروزه حکمرانی به عنوان یک مسأله اساسی در راهبرد توسعه کشورهای به چشم می‌خورد که عملکرد ضعیفی دارند. مانند برخی از کشورهای آفریقایی. در این رابطه بانک جهانی در سال ۱۹۸۹ به این نتیجه رسید که مسئله حکمرانی یعنی شیوه مدیریت و اداره کشور یا رابطه شهروندان با حکومت کنندگان، موضوع کلیدی توسعه است. این مسئله به تدریج در بانک جهانی مورد مطالعه و بررسی عمیق‌تر قرار گرفته تا اینکه این موضوع در گزارش سالانه توسعه جهانی در سال ۱۹۹۶ با عنوان «از برنامه تا مازاد» به روشنی انعکاس یافته است (Unitar, 2003: 45).

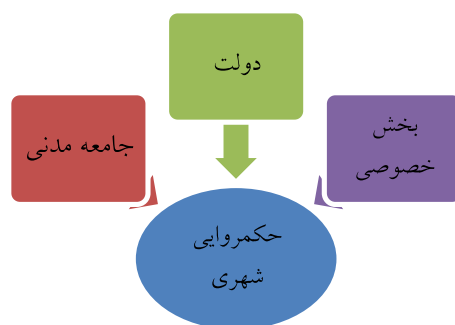
حکمرانی شهری

حکمرانی شهری عبارت است از مجموع روش‌های برنامه‌ریزی و مدیریت عمومی شهر از سوی افراد، نهادهای عمومی و نهادهای خصوصی و نیز فرآیند مستمری است که از آن طریق، منافع متضاد یا متعارض با یکدیگر همراه شده و زمینه همکاری و کنش متقابل فراهم می‌آید. طبق این تعریف حکمرانی شهری، هم نهادهای رسمی و هم اقدامات غیررسمی و سرمایه اجتماعی شهروندان را در بر گرفته (UN-Habitat, 2006: 8) و بر خلاف مدیریت شهری فرآیندی مدیریتی است که به ایجاد و حفظ زیربناها و خدمات شهری پرداخته و فرآیندی کاملاً سیاسی در نظر گرفته می‌شود (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰: ۴۹). از آنجا که حکمرانی یا حاکمیت شهری، وظیفه به اجرا در آوردن تصمیمات و سیاست‌های عمومی در جهت منافع عامه را دارد (پاداش و همکاران، ۱۳۸۶: ۴) به مثابه شیوه‌های متفاوتی به شمار می‌آید که طی آن افراد، نهادها و بخش خصوصی و عمومی به اعمال مدیریت و برنامه‌ریزی برای امور متداول شهر می‌پردازند (Vansant, 2001: 5). بنابراین حکمرانی شهری را می‌توان فرآیندی دانست که بر اساس کنش متقابل میان سازمان‌ها و نهادهای رسمی اداره شهر از یک طرف و سازمان‌های غیردولتی و تشکل‌های جامعه مدنی از طرف دیگر شکل می‌گیرد. ژان پیر انواع حکمرانی شهری را به چهار مدل عمومی

مدیریتی، شرکت‌گرا، طرفدار رشد و حکمرانی رفاهی تقسیم می‌کند. هر مدل حکمرانی شهری از متغیرهای اصلی ترکیب مشارکت‌کنندگان عمده، اهداف مهم، ابزارهای اصلی برای دستیابی به اهداف و عمومی‌ترین پیامدها تشکیل شده است (صدیق سروستانی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۴).

گذر از حکومت شهری به حکمرانی شهری

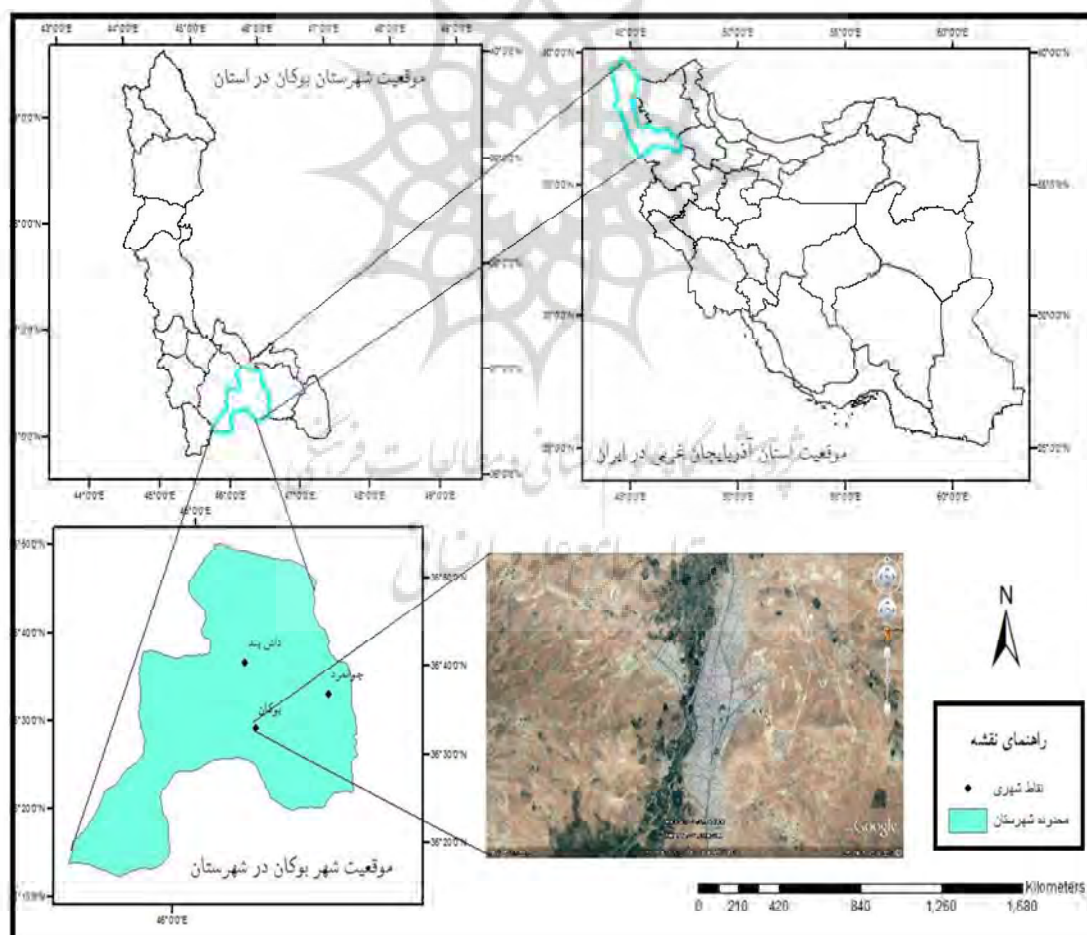
تحولات اخیر در ساختار اجتماعی، اقتصادی و فضایی نواحی شهری، با تغییری در شیوه اداره شهرها همراه شده است که در متون مرتبط با بازساخت سیاسی شهرها، این نوع تحولات اغلب به عنوان حرکت از حکومت به حکمرانی تعریف می‌شود. اما با توجه به تفاوتی که میان این دو مفهوم وجود دارد نمی‌توان به منظور توجیه حرکت، واژه حکمرانی را جایگزین مفهوم حکومت کرد (لاله پور، ۱۳۸۶: ۶۲). در حقیقت، حکومت مبانی رسمی سازمانی را تهیه می‌بیند در حالی که حکمرانی تدارک و روند آزمون مشارکت در اعمال قدرت عمومی است (پلر و پیترز، ۱۳۸۶: ۴۶). حکومت مجموعه‌ای از نهادهای رسمی و حقوقی با قدرت قانونی است، اما «حکمرانی» نوعی فرآیند است که متضمن نظام به هم پیوسته‌ای است که هم حکومت و هم اجتماع را در بر می‌گیرد. کل‌نگری و فراگیری همه ابعاد کنشگران و فرآیندهای مؤثر بر حیات و توسعه شهری را می‌توان خصلت غالب در تلاش‌ها و تحولات نظری مدیریت شهری دانست. این تحولات را در خلاصه‌ترین شکل ممکن می‌توان به صورت حرکت از الگوی پایه و قدیمی حکومت شهری به الگوی حکمرانی شهری تبیین و تعریف کرد. بنابراین دو مفهوم حکومت شهری و حکمرانی شهری را می‌توان دو سر یک طیف تصور کرد که مبین نگرش‌ها و الگوهای بسیار متفاوت و متمایزی هستند که هر یک شکل و فرایند متفاوتی از مدیریت شهری را پدید می‌آورند (کاظمیان، ۱۳۸۶: ۵). کانون توجه ایده حکمرانی، گروهی از عوامل بیرون از سازمان‌های رسمی دولتی است که تأکید عمده‌ای روی فرایندهای شبکه‌ای و مشارکتی دارد. در این الگو، ساختارهای شبکه‌ای جایگزین نظام‌های اداری — سیاسی از بالا به پایین حکومت شهری می‌شوند و در درون شبکه‌ها نیز به جز نظام اداری — سیاسی، عوامل دیگری از بخش‌های خصوصی و داوطلبانه و سازمان‌های همکاری وارد نظام می‌شوند (Astleithner & Hamedinger, 2003: 52). علت ورود واژه حکمرانی یا حکمرانی شهری را می‌توان گسترده شدن پیچیدگی زمینه کاری حکومت محلی دانست و بنابراین ارتباط متقابل دولت و جامعه مدنی در مرکز بحث «حکمرانی شهری» قرار می‌گیرد (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰: ۴۹). بنابراین تغییر تدریجی از «حکومت» به سمت «حکمرانی» از پیامدهای مهمی است که هم در داخل دولت و هم در رابطه با جامعه پیرامون رخ می‌دهد و برای آنکه دولت بتواند وارد اشکال متفاوت حکمرانی شود، بسیاری از الگوهای سنتی فرماندهی و نظارت بخش عمومی باید جای خود را به الگوهای نوین مدیریتی و غیرمتمرکز بدهند. علاوه بر آن، برنامه‌های گسترده تمرکززدایی که در طی دهه‌های گذشته در شمار زیادی از دموکراسی‌های غربی به اجرا درآمده‌اند، نقشی قابل توجه در تسهیل حکمرانی در سطح محلی ایفا کرده‌اند (Pierre-petters, 2000: 11).



شکل ۱: تصویر مفهومی مؤلفه‌های مؤثر در حکمرایی شهری (اقتباس از مبانی نظری پژوهش)

قلمرو جغرافیایی

محدوده مورد مطالعه این پژوهش، شهر بوکان در استان آذربایجان غربی می‌باشد. شهر بوکان در موقعیت جغرافیایی ۳۶ درجه و ۳۱ دقیقه عرض شمالی و ۴۶ درجه و ۱۲ دقیقه طول شرقی قرار دارد. جمعیت شهر بوکان در سرشماری سال ۱۳۹۵ برابر با ۱۹۳۵۰۱ نفر بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵).



شکل ۲: موقعیت جغرافیایی شهر بوکان

روش

روش انجام مطالعه در این پژوهش مبتنی بر روش‌های توصیفی - تحلیلی و پیمایشی است. اطلاعات مورد نیاز در این بررسی، از طریق روش‌های اسنادی و پیمایشی و با بهره‌گیری از پرسشنامه محقق ساخته گردآوری شده‌اند. در این پژوهش با اقتباس از اصول حکمروایی شایسته از دیدگاه سازمان‌های جهانی نظیر برنامه توسعه سازمان ملل متحد، بانک جهانی، برنامه اسکان ملل متحد و نظریه پردازان مباحث شهری، شاخص‌های مشارکت، پاسخگویی، شفافیت، قانونمداری، اثربخشی - کارایی و مسئولیت‌پذیری انتخاب و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند (برک پور و اسدی، ۱۳۸۸، ۱۹۳؛ پاداش و همکاران، ۱۳۸۶، ۷؛ ۱۳۸۶؛ ۵۳۶: 2003, Rakodi). در این پژوهش اولویت‌بندی شاخص‌های منتخب با بهره‌گیری از روش تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) انجام شده است. جامعه آماری این تحقیق، شامل ۳۰ نفر از فعالان بخش مدیریت شهری (مدیران، کارشناسان و متخصصان مسائل شهری) می‌باشند. برای ارزیابی شاخص‌های حکمروایی شایسته شهری از دیدگاه فعالان بخش مدیریت شهری بوکان با استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی و طی سه مرحله ترسیم درخت سلسله‌مراتبی، تعیین و تدوین اولویت‌ها و سازگاری منطقی قضاوت‌ها انجام شده است.

تحلیل یافته‌ها

مرحله اول: وزن دهی شاخص‌های منتخب

در این پژوهش به منظور ارزیابی شاخص‌های منتخب و تعیین شده حکمروایی شایسته شهری (انتخاب ۶ شاخص از بین شاخص معرفی شده)، از مدل فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) استفاده شده است. این مدل با مقایسه زوجی بین معیارها، بر اساس میزان اهمیت و تأثیر آنها در فرآیند مسئله مورد نظر، شاخص‌ها را وزن دهی می‌کند. برای این منظور، شاخص‌های تعیین شده به صورت زوجی و سلسله‌مراتبی در قالب پرسشنامه تهیه شده، و از ۲۰ نفر از متخصصان و پژوهشگران مرتبط با مباحث مدیریت شهری تکمیل، و در نهایت پس از محاسبه میانگین پرسشنامه‌ها، داده‌ها وارد نرم افزار ویژه مدل AHP (نرم افزار Expert choice) شده و وزن نهایی شاخص‌ها به شرح جدول شماره ۱ تعیین شده است.

جدول ۱: وزن دهی شاخص‌های منتخب حکمروایی شایسته شهری

شاخص	وزن
مشارکت	۰,۱۹۷
مسئولیت‌پذیری	۰,۱۷۹
پاسخگویی	۰,۱۲۶
اثربخشی و کارایی	۰,۱۰۸
شفافیت	۰,۰۹۶
قانونمداری	۰,۰۸۹

منبع: یافته‌های پژوهش

مرحله دوم: ارزیابی و اولویت‌بندی شاخص‌های منتخب حکمروایی شایسته شهری

در این مرحله داده‌های حاصل از پرسشنامه‌های تکمیل شده توسط جامعه نمونه پژوهش شامل ۳۰ نفر از فعالان

بخش مدیریت شهری در شهر بوکان (مدیران، کارشناسان و متخصصان مسائل شهری) تحلیل و در نهایت بر اساس نظرات به دست آمده اقدام به اولویت‌بندی شاخص‌های منتخب شده است.

جدول ۲: اولویت‌بندی شاخص‌های حکمروایی شایسته شهری

اولویت/رتبه	شاخص منتخب	وزن شاخص
۱	پاسخگویی	۰/۳۲۵
۲	مشارکت	۰/۲۷۹
۳	اثر بخشی و کارایی	۰/۲۶۸
۴	مسئولیت‌پذیری	۰/۱۹۵
۵	قانونمداری	۰/۱۲۳
۶	شفافیت	۰/۰۶۵

منبع: یافته‌های پژوهش

مرحله سوم: تحلیل شاخص‌های منتخب حکمروایی شایسته شهری

شاخص پاسخگویی^۱

پاسخگویی تلویحاً به معنی پاسخ دهی به تقاضاهای حکومت شوندگان است که با احترام به قانون و وجود سیستم قضایی مستقل، همراه با هیئت‌های حکومتی منتخب و نیز دسترسی گسترده به اطلاعات و رسانه‌های جمعی ممکن می‌گردد (برک پور و اسدی ۱۳۸۸، ۱۹۳). در واقع پاسخگویی اهرمی برای افزایش کنترل مسئولان و تصمیم‌گیرندگان است تا در قبال عملکرد خود مسئول باشند (Terner et al, 2005: 160). نه تنها نهادهای دولتی بلکه بخش خصوصی و سازمان‌های جامعه مدنی نیز باید نسبت به عموم مردم و همه افراد ذی نفع پاسخگو باشند. به طور کلی یک نهاد یا سازمان نسبت به کسانی که در ارتباط مستقیم با تصمیمات آنها قرار دارند، پاسخگو خواهند بود. لازم به ذکر است پاسخگویی بدون وجود شفافیت و حاکمیت قانون قابل اجرا نیست (رفیعیان و حسین پور، ۱۳۹۰، ۹۵). بر اساس نظر جامعه نمونه پژوهش، شاخص پاسخگویی از بین ۶ شاخص منتخب ارزیابی شده با میانگین وزن ۰/۳۲۵، دارای اولویت اول برای تحقق مدل حکمروایی شایسته شهری می‌باشد.

شاخص مشارکت^۲

یکی از جنبه‌های مهم نظریه حکمروایی خوب شهری، همان بعد مشارکت است. چرا که اصل و بنیان نظریه مذکور بر حکومت مردمی استوار می‌باشد. یعنی حکومتی که مردم اداره آن را بر عهده داشته باشند (Dekker & Kempen, 2004: 43). بنابراین حضور و مشارکت مردم در اداره امور از اصول بدیهی و اولیه تحقق این نظریه و گام اول رسیدن به حکمروایی خوب شهری می‌باشد (زیاری و همکاران، ۱۳۹۲، ۷۰). بر اساس تحلیل یافته‌های حاصل از پرسشنامه‌های تکمیل شده، شاخص مهم مشارکت (مردم و ذینفعان) در تحقق الگوی حکمروایی شایسته شهری با میانگین وزنی ۰/۲۷۹، در جایگاه و رتبه دوم قرار دارد.

^۱.Accountability Index

^۲.Participation Index

شاخص اثر بخشی و کارایی^۱

حکمرانی خوب به معنی آن است که نهادها و سازمان‌های تصمیم‌گیرنده همیشه نیازهای مردم را در نظر داشته باشند و از منابع موجود به صورت کارا استفاده کنند. مفهوم کارایی در ارتباط با حکمرانی خوب به معنی استفاده پایدار از منابع طبیعی و حفاظت از محیط زیست نیز خواهد بود. لذا موضوع بهترین استفاده از منابع موجود با حکمرانی ارتباط مستقیم دارد (رفیعیان و حسین پور، ۱۳۹۰، ۹۶). در اسناد جدید بانک جهانی موارد فوق به عنوان اهداف کلان و عملیاتی توسعه شهری پایدار آمده است که از طریق ترکیبی از عناصر و پیش شرطها تحقق می‌یابد (برک پور و اسدی، ۱۳۸۸، ۱۹۳). بر پایه تحلیل یافته‌های پژوهش، این شاخص با میانگین وزنی ۲/۱۸. در جایگاه سوم اولویت‌بندی شاخص‌ها قرار گرفته است.

شاخص مسئولیت پذیری

حکمرانی خوب نیازمند این است که نهادها و فرآیندهای تصمیم‌گیری در یک چارچوب منطقی به همه استفاده‌کنندگان آن خدمات لازم را ارائه دهد. رسیدن به این هدف تنها زمانی امکان پذیر است که نهادهای تصمیم‌گیر نسبت به تأمین خواسته‌ها و تمایلات افراد احساس مسئولیت داشته باشند (رفیعیان و حسین پور، ۱۳۹۰، ۹۵). بر اساس نظرات جامعه تحقیق، این شاخص با میانگین وزنی ۱/۹۵. در اولویت چهارم شاخص‌های منتخب و ارزیابی شده قرار دارد.

شاخص قانونمداری

حکمروایی خوب مستلزم چارچوب‌های قانونی درست و منصفانه می‌باشد که به صورت بی طرفانه اجرا شود، از سوی دیگر وجود قوانین کارآمد، مراعات چارچوب قانونی در تصمیم‌گیری و دور بودن افراد غیرمسئول از تصمیم‌گیری‌ها، مسئله قانون محوری و قانونمندی را در حکمروایی خوب بیش از پیش مورد توجه قرار داده است. پایبندی به قوانین نیازمند آگاهی مردم و همچنین احترام مسئولان به قانون است (رکن الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۹۱، ۵). بر اساس نظر بانک جهانی اجرای حاکمیت قانون در رویکرد حکمروایی شهری مستلزم وجود سیستم قضایی مستقل است که به عنوان پایگاهی برای رفع و حل تضادها و اختلافات عمل می‌کند و در حقیقت ضامن احترام به حقوق مالکیت و قراردادهاست و از اقدامات خلاف حکومت جلوگیری می‌کند (برک پور و اسدی، ۱۳۸۸، ۱۹۳). بر اساس نظرات تحلیل شده، این شاخص با میانگین وزنی ۱/۲۳. در اولویت پنجم رتبه‌بندی شاخص‌های ارزیابی شده قرار گرفته است.

شاخص شفافیت

شفافیت به معنی جریان آزاد اطلاعات و قابلیت دسترسی سهل و آسان به آن برای تمامی استفاده‌کنندگان مربوطه است. اطلاعات باید به اندازه کافی و به صورت قابل فهم در دسترس باشند و از طرف دیگر اتخاذ تصمیمات و اجرای آنها از قوانین و مقررات مشخص پیروی کند (رفیعیان و حسین پور، ۱۳۹۰، ۹۶). با توجه به ارزیابی صورت گرفته و تحلیل پاسخ‌های ارائه شده، شاخص شفافیت با میانگین وزنی ۱/۶۵. در رتبه ششم و آخر قرار گرفته است.

۱. Efficiency Index

بحث و نتیجه‌گیری

در عصر جدید که شهرنشینی گسترده و ظهور شهرهای بزرگ و مناطق عظیم کلان‌شهری به همراه شکل‌گیری و بروز مشکلات پیچیده در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، نهادی و... در شهرها و مناطق شهری وجه غالب آن می‌باشد، تمرکز بر رویکردهای سنتی اداره و مدیریت شهرها و مناطق شهری دیگر مد نظر سازمان‌های بین‌المللی و نظریه پردازان فعال در مباحث مربوط به مدیریت شهری نمی‌باشد. در همین راستا و به منظور بهره‌گیری از ظرفیت‌های ساکنان و ذینفعان در روند اداره شهرها و کاستن از مشکلات پیچیده موجود، رویکردی جدید تحت عنوان "حکروایی شایسته شهری" مبتنی بر شاخص‌های مهم و تأثیرگذاری همچون مشارکت، اثر بخشی و کارایی، حاکمیت قانون، شفافیت، برابری، پاسخگویی، بینش راهبردی، امنیت، وفاق‌گرایی و... توسط سازمان‌های مهم بین‌المللی مانند برنامه توسعه سازمان ملل متحد، بانک جهانی، برنامه اسکان ملل متحد و... طراحی و ارائه شده است. بسترسازی و استقرار رویکرد جدید در فرآیند مدیریت نوین شهری، مستلزم ایجاد تغییراتی مهم می‌باشد. گاس این تغییرات مهم در گذر از حکومت به حکمروایی محلی را مستلزم تغییر در نقش‌ها و روابط می‌داند. او پیوندهای اثرگذار بین سه مجموعه متفاوت از تغییرات را بسیار مهم می‌داند. تغییر در روابط بین حکومت و مردم یا بین شهروندان و دولت، تغییر در وظایف و نقش‌های مدیران و نیروهای درون سازمان‌های عمومی محلی و تغییر در خود سازمان‌های عمومی (Goss, 2001: 3-4). بر همین مبنا در این پژوهش با اقتباس از اصول و شاخص‌های حکمروایی شایسته شهری ارائه شده توسط سازمان‌های مهم جهانی شاخص‌های مشارکت، پاسخگویی، شفافیت، قانونمداری، اثر بخشی - کارایی و مسئولیت‌پذیری انتخاب و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. در نهایت یک نوع اولویت‌بندی در شاخص‌ها و معیارهای موجود با استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) انجام شده است. نتایج به دست آمده از تحلیل و ارزیابی داده‌های به دست آمده نشان می‌دهد که شاخص پاسخگویی در رتبه ۱، مشارکت در رتبه ۲، اثر بخشی و کارایی در رتبه ۳، مسئولیت‌پذیری در رتبه ۴، قانونمداری در رتبه ۵ و شفافیت در رتبه ۶ قرار می‌گیرد.

منابع

- ابراهیم زاده، عیسی و اسدیان، مرتضی (۱۳۹۲)، تحلیل و ارزیابی میزان تحقق‌پذیری حکمروایی خوب شهری در ایران مورد شناسی؛ شهر کاشمر، جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای، بهار، دوره ۳، شماره ۶، صص ۱۷-۲۹
- اکبری، غضنفر (۱۳۸۵) سرمایه اجتماعی و حکمرانی شهری، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال بیست و یکم، شماره پیاپی ۸۳، صص ۱۳۵-۱۵۳.
- برک پور، ناصر و اسدی، ایرج (۱۳۸۸) مدیریت و حکمرانی شهری، تهران، انتشارات دانشگاه هنر، معاونت پژوهشی، چاپ اول، ۲۵۷ ص
- پاداش حمید، جهانشاهی، بابک و علی صادقی (۱۳۸۶) مؤلفه‌ها و شاخص‌های حکمرانی شهری، فصلنامه جستارهای شهرسازی، شماره ۱۹-۲۰، بهار، صص ۷۲-۷۹
- پیشگاهی فرد، زهرا و همکاران (۱۳۹۲)، آسیب شناسی توزیع فضایی قدرت سیاسی در کلانشهر تهران با تأکید بر حکمروایی شهری، مجله جغرافیا، پاییز، دوره ۱۱، شماره ۳۸، صص ۹۳-۱۱۲
- حاجی علیزاده، جواد و همکاران (۱۳۹۵)، تحلیلی بر همبستگی بین الگوی حکمروایی شایسته شهری و میزان مشارکت شهروندی (مطالعه موردی شهر شیراز)، فضای جغرافیایی، تابستان، دوره ۱۶، شماره ۵۴، صص ۲۳۷-۲۶۰

حسینی، سید هادی (۱۳۹۵)، تحلیل شاخص‌های حکمروایی خوب شهری با تأکید بر نظرات شهروندان و مدیران؛ مطالعه موردی: شهر تربت حیدریه، فصلنامه مطالعات شهری، دوره ۵، شماره ۲۰، پاییز، صفحه ۴۳-۵۲

رفیعیان، مجتبی، حسین پور، علی (۱۳۹۰)، حکمروانی خوب شهری از منظریات شهرسازی، تهران، انتشارات طحان، چاپ اول، ۱۵۰ ص
رکن الدین افتخاری، عبدالرضا و همکاران (۱۳۹۱)، ارائه الگوی مناسب حکمروایی خوب روستایی در ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره دوم، صص ۱-۲۸

زیاری، کرامت اله و همکاران (۱۳۹۲)، سنجش میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری بر اساس الگوی حکمرانی خوب شهری، مطالعه موردی: شهر یاسوج، مسکن و محیط روستا، بهار، دوره ۳۲، شماره ۱۴۱، صص ۶۹-۸۶

شریفیان ثانی، مریم (۱۳۸۰)، سرمایه اجتماعی؛ مفاهیم اصلی و چارچوب نظری، فصلنامه علمی پژوهشی مددکاری اجتماعی، دوره ۱، شماره ۲، صص ۵-۱۸

شریفیان ثانی، مریم (۱۳۸۰) مشارکت شهروندی، حکمرانی شهری و مدیریت شهری؛ فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۸، زمستان، صص ۴۲-۵۵

شماعی، علی و همکاران (۱۳۹۱)، ارزیابی عملکرد شهرداری‌ها بر اساس حکمروایی خوب شهری (مطالعه موردی: شهر یاسوج)، ارزیابی عملکرد شهرداری‌ها بر اساس حکمروایی خوب شهری (مطالعه موردی: شهر یاسوج)، مطالعات مدیریت شهری، پاییز، دوره ۴، شماره ۱۱، صص ۱-۲۰

صدیق سروستانی، رحمت الله و همکاران (۱۳۸۶) حکمروایی خوب: تحلیل مدل‌های حکمرانی شهری در انتخاب سومین دوره شورای اسلامی شهر تهران. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی. سال هفتم. شماره ۲۶، صص ۹-۳۳

کاظمیان، غلامرضا (۱۳۸۶) درآمدی بر الگوی حکمرانی شهری، فصلنامه جستارهای شهرسازی، شماره ۲۰-۱۹، بهار، صص ۵-۷
علوی تبار، علیرضا (۱۳۷۹)؛ مشارکت در اداره امور شهرها، جلد اول، تهران، سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، چاپ اول، ۱۴۹ ص

فیروزی، محمد علی و عزیزاده، هادی (۱۳۹۶)، تحلیل و پیش‌بینی تحقق رویکرد حکمروایی شهری در مدیریت شهری اهواز، فضای جغرافیایی، تابستان، دوره ۱۷، شماره ۵۸، صص ۲۶۵-۲۸۴

لاله پور، منیژه (۱۳۸۶)، حکمرانی شهری و مدیریت شهری در کشورهای در حال توسعه، فصلنامه جستارهای شهرسازی، شماره ۲۰-۱۹، بهار، صص ۶۰-۷۱

مشکینی، ابوالفضل و مؤذن، سهراب (۱۳۹۴)، تحلیل حکمروایی مطلوب شهری در پایداری شهرها مطالعه موردی؛ شهر عجب شیر، آمایش محیط، تابستان، دوره ۸، شماره ۲۹، صص ۹۹-۱۳۱

مرکز آمار ایران (۱۳۹۵)، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن، استان آذربایجان غربی
هال، پیتر و فایفر، اولریخ (۱۳۸۸) آینده شهری قرن ۲۱، تهران، انتشارات جامعه مهندسان مشاور، چاپ اول، مترجم: اسماعیل صادقی، ۴۷۰ ص

Astleithner, F& Hamedinger, A. (2003). Urban sustainability as a new form of Governance: obstacles and potentials in case of Vienna. Journal of innovation. Vole 16.No 1. Pp 51-75.

Dekker.K&Kempen.D(2004),urban Governance within the big city policy,journal of cities,vol 21,pp 41-55

Goss.S(2001),Making local Governance Work: Networks, Relationships and the Management of Change, Palgrave Publisher,240 pages

Hamedinger, A. (2004). The changing organization of spatial planning in Vienna.Vienna University of Technology.

Pierre,J. (۲۰۰۰). Models of Urban Governance:The Institutional Dimension of Urban Politics. Urban Affairs Review. Vol ۴. Issue ۳. Jan.

Terner.M. et al(2005), Governance, Management and Development: Making the State Work, Palgrave MacMillan, Basingstoke, United Kingdom,352 pages

- UN- HABITAT (200۶). Campaign on urban governance. Campaign on urban governance. www.unhabitat.org.
- UN- HABITAT (2003). Local Democracy and Decentralization in East and Southern Africa. www.unhabitat.org.
- UN- HABITAT (2003). The Global Campaign on urban governance. www.unhabitat.org.
- UNDP (2000). Characteristics of Good governance. The Urban Governance initiative TUGi.
- Vansant, J. (2001). Cooperation for Good Governance. July. Terry Sanford Institute of public policy.

